

هل دادن آرمان به سمت طناب دار

پرونده آرمان و غزاله این روزها در فضای مجازی جنجال زیادی به پا کرده است. آرمان که حالا پسری ۲۴ساله است، ۱۲ بهمن سال ۹۲ دختری به نام غزاله را در خانه‌شان در خیابان میرداماد به قتل رساند و ناشی در لیست افراد مرتکب قتل ثبت شد. او اولین کسی بود که به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و به قتل غزاله اعتراف کرد. آرمان در بازجویی‌ها گفته‌است که «بعد از مشاجره با غزاله که بر سر پایان دادن رابطه‌مان شکل گرفته‌بود با میله بارفیکس پنج ضربه به او زدم که کشته شد. بعد تعدادی کیسه بزرگ زباله آوردم و چند کیسه را از قسمت پاهای، چند کیسه را از قسمت سر و چند کیسه را هم به نیم‌تنه او کشیدم و بعد جسد را داخل چمدان مسافرتی گذاشتم و آن را به داخل سطل رها کرده و با چمدان خالی به خانه برگشتم.» کارآگاهان پلیس آگاهی در جریان بررسی‌های بعد دوربین‌های مداربسته را بررسی کردند و تصاویر انتقال چمدان را به دست آوردند. همچنین آثار خون غزاله را که مورد تأیید آزمایشگاه قرار گرفت روی میله بارفیکس و چمدان کشف کردند. کارآگاهان همچنین چند قطره خون هم روی دیوار خانه و برزهای فرش اتاق که آرمان آن را با واکس پنهان کرده بود کشف کردند اما موفق به کشف جسد نشدند.

با کامل شدن تحقیقات که زیر نظر دو نفر از بازپرسان ویژه قتل تهران صورت گرفته بود آرمان به اتهام مباشرت در قتل مجرم شناخته شد. پرونده آرمان، اما تاخیر بسیار در نوبت رسیدگی قرار گرفت؛ چراکه ارسال نامه‌ای بر رئیس وقت قوه قضائیه سبب شد تا تحقیقات بیشتری در این باره انجام شود. آرمان همچنین در یک مرحله و در حالی که به اتهام قتل بازداشت شده موفق شد با استدلال به اینکه هنوز به سن ۱۸ سالگی نرسیده با کمک وکلای خود از زندان آزاد شود، اما یک روز بعد در بررسی اوراق هویتی وی و گزارش پزشکی قانونی مبنی بر اینکه وی هنگام ارتکاب عمل مجرمانه مسئولیت ارتکاب عمل را عهده‌دار بوده باز دیگر بازداشت و به سلول خود بازگردانده شد. هر چند آرمان در جلسات دادری در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران حرف‌هایش را تغییر داد و مدعی شد که غزاله به خاطر سقوط از پله فوت شده ن اصابت ضرات میله بارفیکس اما قضات دادگاه وی را گناهکار شناخته و به قصاص محکوم کردند.بعد از آن بود که تلاش‌های بسیاری از سوی هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی دکتر محمدشهریاری به جریان افتاد اما هفت جلسه برگزار شده هم منجر به جلب رضایت اولیای‌دم نشد. بعد از تأیید رأی دادگاه در دیوان عالی کشور و انجام مراحل قانونی احکام، نام آرمان در میان افرادی که قرار بود سحرگاه چهارشنبه هفته قبل قصاص شود ثبت شد.

یک روز قبل از اجرای حکم اما انتشار بست اینستاگرامی هنرمندان درباره درخواست بخشش و استدلال‌های مطرح شده یکی از وکلای متهم مبنی بر اینکه دفترچه بیمه غزاله بعد از حادثه تمدید شده یا یک ترم مرخصی برای او در دانشگاه گرفته شده سبب جنجال زیادی در فضای مجازی شد. محمدزمانی علویجه، وکیل اولیای‌دم در این باره می گوید پدر غزاله که هنوز فوت تنها فرزندش را قبول ندارد بعد از حادثه به دانشگاه رفته و برای تسکین آلام خود و همسرش برای غزاله یک ترم مرخصی گرفته‌است تا شاید درد فراقش برای آنها کمی تسکین کننده باشد. او همچنین درباره تمدید دفترچه چه می گوید: پدر و مادر غزاله یکروز که برای تمدید دفترچه‌های خود به بیمه مراجعه می‌کنند مادر غزاله دفترچه دخترش را هم به کارپرداز می‌دهد تا آن را هم تمدید کند؛ چراکه هنوز فرزند غزاله را باور نداشته و هنوز هم ندارد. زمانی علویجه می گوید این پاسخ به دو بهامی است که مطرح شده و طرح آن خانواده غزاله را هم متأثر کرده‌است.

خوشبختانه آرمان سحرگاه چهارشنبه هفته گذشته پای چوبه دار موفق به گرفتن مهلت شد. او برخلاف آن چه در دادگاه مطرح کرده و قتل را نپذیرفته بود بار دیگر به قتل اعتراف کرد و حادثه را آنگونه که در اولین تحقیقات اعلام کرده‌بود بازگو کرد. از سوی دیگر با تلاش‌های صورت گرفته از سوی هیئت صلح و سازش موفق شد فرست یک ماهه برای جلب رضایت اولیای‌دم را کسب کند.
آنگونه که در سال‌های حضور در محاکم کیفری یک استان تهران شاهد بودام قضات رسیدگی کننده ابتدا خانواده اولیای‌دم را به اعلام گذشت و تأسی از فرموده مولای متقیان مبنی بر این که لذتی که در بخشش است در انتقام نیست خانواده مقتول را به بخشش دعوت می‌کنند؛ چراکه بر اساس قانون گذشت از خون مرتکب در اختیار خانواده ولی‌دم قرار دارد و ناغیر. افرادی که برای جلب رضایت تلاش می‌کنند، باید در نظر داشته‌باشند که طرح مسائل خاشبه و انکار موضوعاتی که فرید مرتکب در صحت آن تردید ندارد به جای کمک به آرمان می‌تواند وی را به طابندار زدیک‌تر کند. خانواده غزاله در این حادثه تنها فرزندشان را از دست داده‌اند. آنها بدون اینکه جسد فرزندشان را تحویل گرفته باشند وپنجاه روز بر سر مزارش سوگواری کنند باید تا پایان زندگی با عکس‌ها و خاطره‌های او زندگی کنند، بنابراین تنها پذیرش اتفاقی که رخ داده‌است، پشیمانی قلبی و تلاش برای جلب رضایت است که می‌تواند به متهم کمک کند. خانواده آرمان شش سال پس از وقوع حادثه می‌تواند این روزها به درک بهتری از واژه از دست دادن رسیده باشند و آگاه باشند که تمکین از خانواده غزاله و تلاش برای کسب خواسته‌های آنها بهتر از تأسی به ایزراه‌های دیگر می‌تواند به فرزندشان زندگی دوباره بخشد در غیر این صورت تا پایان عمر فرصت خواهند داشت به مسیری‌های اشتباه خود فکر کنند.

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

قتل همسر پس از مرخص شدن

از بیمارستان روانی

مرد میانسالی که ۴۵روز در بیمارستان

روانی بستری بود پس از مرخص شدن همسرش را به قتل رساند و جسد متله شده‌اش را در ارتفاعات لوسان رها کرد. به گزارش جوان، عصر روز چهارشنبه یازدهم دی‌ماه پسر ۱۷ساله‌ای باسرمیه به کلانتری ۱۶۴قائم رفت و از گم شدن ناگهانی مادرش شهربانو خیر داد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت:ظهر روز سه‌شنبه از مادرم خداحافظی کردم و به مدرسه رفتم اما وقتی عصر به خانه برگشتم مادرم در خانه نبود. پدرم که به تازگی از بیمارستان مرخص شده‌بود، مدعی شد که مادرم بیرون رفته است. من و برادر ۲۰ساله‌ام که از محل کارش به خانه برگشته بود تا نیمه‌های شب منتظر مادرامان بودیم اما صبح که از خواب بیدار شدیم باز هم از مادرامان خبری نبود. من به خانه بستگان و دوستان مادرم سرزدم اما خبری از مادرم پیدا نکردم تا اینکه تصمیم گرفتم به کلانتری بیایم و اعلام شکایت کنم. وی در پایان گفت: من به پدرم مشکوک هستم چون او و مادرم مدتی است با هم اختلاف دارند و گاهی هم باهم درگیر شدیم و گلویش را گرفت و فشار دادم. لحنظاتی بعد دیدم که همسرم نفس نمی‌کشد و فوت کرده است. آنقدر ترسیده بودم که نمی‌دانستم چه کار کنم و از سوی دیگر هم نمی‌خواستم فرزندم در جریان موضوع قرار بگیرند که جسد بی‌جان همسر را به داخل حمام بردم و آنجا با شوهر وی تحقیق کردند. مأموران وقتی با نتایج گوی‌های شوهر شهربانو روبه‌رو شدند، وی را بازداشت و برای تحقیق بیشتر به کلانتری منتقل کردند.

اعتراف به قتل همسر

با طرح این شکایت تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۴قائم به دستور قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران راهی خانه زن گمشده شدند و از شوهر وی تحقیق کردند. مأموران وقتی با نتایج گوی‌های شوهر شهربانو روبه‌رو شدند، وی را بازداشت و برای تحقیق بیشتر به کلانتری منتقل کردند.

اعتراف به قتل همسر

متهم پس از انتقال به کلانتری مقابل باز پرس جنایی به قتل همسرش اعتراف کرد.

وی گفت: مدتی است دچار بیماری عصبی و

بیرونی می‌انداختم و در نهایت به خانه برگشتم. وی ادامه داد: من به فرزندانم دروغ گفتم که مادرشان بیرون رفته‌است، اما بعد تصمیم گرفتم به قتل همسرم اعتراف کنم.

پس از اعتراف متهم، مأموران همراه بازپرس ویژه قتل راهی محل حادثه شدند و پس از چند



ساعت جست‌وجو تعدادی از نایلون های حاوی جسد زن میانسال را پیدا کردند. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه متهم به دستور قاضی ساسان غلامی برای مشخص شدن صحت روحی و روانی‌اش به پزشکی قانونی منتقل شد.

مرگ مشکوک پسر جوان بررسی می‌شود



مرگ پسر جوانی که به صورت مرموزی از پنجره طبقه چهارم یک منزل مسکونی به پایین سقوط کرده‌بود، بررسی می‌شود.

به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس، از سقوط پسر ۱۹ساله‌ای به نام سیاوش از پنجره طبقه چهارم ساختمانی در جنوب تهران باخبر وراهی محل شدند. باانتقال جسد به پزشکی قانونی، عمومی سیاوش که در محل حاضر بود مورد تحقیق قرار گرفت و در توضیح به مأموران گفت: «برادرم معتاد بود به همین دلیل چند سال قبل همسرش طلاق گرفت و سیاوش با پدرش زندگی می‌کرد. پدر و پسر با هم اختلاف داشتند و مدام در گیر بودند تا اینکه روز حادثه سیاوش را دیدم که می‌گفت از این زندگی خسته شده و دیگر تحمل این شرایط را ندارد. او همان لحظه به طرف پنجره دوید و خودش را به پایین پرتاب کرد.»

با تأیید این توضیحات از سوی پدر سیاوش و نظر کارشناسان پزشکی قانونی مبنی بر تأیید خودکشی پسر جوان، قرار منع تعقیب برای پدر و عمومی سیاوش صادر شد تا اینکه با شکایت مادر سیاوش از شوهر و برادرشوهر سابقش تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد. زن میانسال در توضیح به مأموران گفت: «سیاوش سه‌ساله بود که از شوهرم طلاق گرفتم به همین خاطر سرپرستی او بر عهده پدرش بود. او مرد متشاه و بداخلاقی بود به همین خاطر سیاوش را اذیت می‌کرد و مدام او را کتک می‌زد. از آنجاییکه پدر و مادرم پیر بودند و توان مالی نداشتند، نمی‌توانستم سرپرستی پسرم را بر عهده بگیرم اما همیشه به او اسر می‌زدم و از حال او خبر بودم. این

گذشت تا روز حادثه. آن روز قرار بود به ملاقات سیاوش بروم اما برادرشوهر سابقم تماس گرفت و گفت او خودکشی کرده است.» زن میانسال در حالیکه اشک می‌ریخت گفت: «شوهرم چندبار با جاقو سیاوش را زخمی کرده بود. فرضیه خودکشی ساختگی است و احتمال می‌دهم شوهرسابق و برادرش در جریان درگیری با سیاوش او را به قتل رسانده‌اند.»

با طرح این شکایت پرونده کامل و به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی بابایی فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، بعد از اعلام رسمیت جلسه، زن میانسال در جایگاه قرار گرفت و

گفت: «بارها از سیاوش خواستم از پدرش شکایت‌کنند اما قبول نمی‌کرد. آخرین باری که سیاوش به دیدنم آمده بود گفت در یک کارگاه مشغول کار شده‌است اما حشوش کم‌است. او از من خواست تا همراهش به کارگاه بروم و با صاحب کارش صحبت کنم. قرار بود ساعت ۱۱ صبح روز حادثه به کارگاه برویم اما ساعت ۹ صبح بود که با تماس برادرشوهر سابقم به آنجا رفتم و دیدم سیاوش از پنجره به پایین پرتاب شده و فوت کرده است.»

مادر سیاوش ادامه داد: «ادعای خودکشی را قبول ندارم چون پنجره‌ای که سیاوش از آن پرتاب شده‌بود محافظ داشت به همین خاطر به سختی یک فرد می‌توانست از آن عبور کند.

در این مدت خیلی تحقیق کردم و فهمیدم اگر کسی خودکشی کند، جسدش با چند متر فاصله از پنجره آن طرف‌تر می‌افتد اما جسد پسرم درست زیر پنجره افتاده بود و این نشان می‌دهد کسی او را به پایین پرتاب کرده‌است. یقین دارم سیاوش در درگیری با شوهر و برادرشوهر سابقم کشته شده‌است. پدر سیاوش بعد از قرار منع تعقیب هراسان مقابل خانه‌ام آمد و التماس می‌کرد علیه آنها شکایت نکنم. با این رفتار بیشتر به آنها مشکوک هستم.»

بعد از توضیحات زن جوان، پرونده به دستور ریاست دادگاه برای تحقیقات بیشتر به دادسرا فرستاده شد. به این ترتیب پرونده بعد از تحقیقات تکمیلی رسیدگی خواهد شد.

بازداشت عاملان سرقت از کارگاه راه‌سازی

کارآگاهان مخفیگاه وی در باقرشهر شناسایی و در یک عملیات پلیسی دستگیر شد.

متهم بعد از انتقال به پایگاه‌نهم، علاوه بر سرقت از انبار کارگاه راه‌سازی به یک فقره سرقت از انبار آهن‌الآت واقع در دولت آباد باهمدستی دو نفر دیگر ۸میلیون تومان به او با استفاده از یک دستگاه جرقبیل خاور مرتکب سرقت اموال کارگاه شده‌بود. همچنین مشخص شد نگهبان کارگاه بعد از دریافت این مبلغ از کشور خارج شده‌است. با بدست آمدن این اطلاعات، نگهبان کارگاه تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه وی در یکی از کشورهای همسایه شناسایی و بازداشت شد. او در توضیح به مأموران گفت: «ان روز حامد با تهدید قتل و پرداخت ۸میلیون تومان وارد کارگاه و مرتکب سرقت شد. من هم درای نجات جانم مجبور شدم قبول کنم و سپس تصمیم به فرار گرفتم.»

پرونده‌های سرقت مسلحانه احشام که به پنج‌سال حبس محکوم شده‌بود روانه زندان شد.»

سرت با خودروی سرقتی

سارقان لوازم داخلی خودروها که بعد از تکاپ جرم با خودروی سرقتی قصد فرار داشتند، دستگیر شدند و به ۱۷فقره سرقت اعتراف کردند.

به گزارش جوان، چند روز قبل، مأموران کلانتری ۱۱۷جوادیه از چند فقره سرقت لوازم داخلی خودرو و باخبر و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. در روند تحقیقات مشخص شد دو سارق در محدوده خیابان شوش توسط یک دستگاه خودروی سرقتی بعد از تکاپ جرم خودروی سرقتی را در محدوده کلانتری رها کرده و گریخته‌اند. با کشف خودروی سرقتی، تلاش برای شناسایی سارقان ادامه‌داشت تا اینکه مأموران در ساعت ۱ شب روز پنج‌شنبه دریافتند آنها بعد از سرقت تعدادی لوازم داخل یک دستگاه خودروی پرابرد در حال فرار از محدوده سرقت هستند که در یک عملیات پلیسی خودروی سارقان شناسایی شد و هر دو سارق دستگیر شدند.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان، سرکلانتر هفتم پایتخت درباره این خبر گفت: «با دستگیری سارقان، در بازرسی از داخل خودروی آنها تعداد ۱۱قلم اموال سرقتی از قبیل: طاقچه خودروی ۲۰۶، دستگاه ضبط و ۱۸ پخش، باند، کیف ابزارآلات و پیک نیک نیز کشف شد. دو متهم بعد از انتقال به کلانتری همراه اموال مسروقه، با اقرار به ۱۷فقره سرقت با همدستی یکدیگر، برای سیر مراحل قانونی در اختیار مراجع قضایی قرار گرفتند.»

کلاهبرداری ۶میلیاردی کارمند بانک

کارمند بانکی که از حساب یکی از مشتریان مبلغ ۶میلیارد تومان برداشت کرده‌بود در دام مأموران پلیس گرفتار شد.

به گزارش جوان، شانزدهم مردامه‌امسال بود که مریدی به اداره پلیس رفت و از برداشت سپرده مالی ۶میلیاردی‌اش در بانک از سوی فردناشناسی شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: گواهی سپرده ۶میلیاردی در بانک داشتم که هر ماه مبلغی سود به سپرده‌ام واریز می‌شد تا اینکه خرده‌ام متوجه شدم سودی به حسابم واریز نشده‌است به همین دلیل به بانک مراجعه کردم که فهمیدم گواهی سپرده‌ام باطل و برای حسابم کارت صادر شده و پس از آن هم تمام موجودی حسابم از طریق خرید از فروشگاه‌های سطح کشور برداشت شده‌است.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی شعبه هجدهم بازپرسی ناحیه ۱۲ برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران در نخستین گام فروشگاه‌هایی که با کارت شاکی از آنجا خرید شده‌بود، شناسایی کردند که در بررسی‌های دوربین‌های مداربسته چهره یکی از کارمندان بانک را که مرد ۴۰ساله‌ای به نام امیر است شناسایی کردند.

بررسی‌های مأموران نشان داد امیر مدتی است که محل زندگی‌اش را از تهران به یکی از شهرهای غربی کشور منتقل کرده‌است. پس از این تحقیقات مأموران برای دستگیری متهم ادامه داشت تا اینکه دریافتند وی قرار است روز شنبه هفتم دی ماه برای انجام کاری به صورت هوایی به تهران بیاید.

سرهنگ کارآگاه جهانگیر تقی‌پور، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت با بیان اینکه متهم در بسدورود در فرودگاه با هماهنگی‌های قضایی دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد، گفت: متهم در تحقیقات اولیه منکر بزه ارتکابی شده‌است در مواجهه با مستندات و مدارک ناچارآ لب به اعتراف گشود و صراحتاً به بزه انتسابی اقرار کرد.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی به دستور باز پرس شعبه هجدهم دادسرای ناحیه ۳۳ تهران روانه زندان شد.

مرد فریبکار دستگیر شد

مرد جوانی که بعد از آشنایی در فضای مجازی، با وعده ازدواج مرتکب اخاذی از زن جوانی شده بود، دستگیر شد.

به گزارش جوان، دوم مهرماه امسال، زن ۳۰ساله به نام شیوا به پلیس فتا رفت و از مرد جوانی شکایت کرد. وی گفت: «مدتی قبل با مرد جوانی به نام آرش در تلگرام آشنا شدم. او در این مدت از کار و موقعیت اجتماعی خودش صحبت کرد تا اینکه قول ازدواج داد. چندبار با هم ملاقات حضوری داشتم تا اینکه تعدادی از عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی‌ام را برایش ارسال کردم.»

شاکی در ادامه گفت: «بعد از آشنایی در فضای مجازی، با وعده ازدواج من مرتکب اخاذی از زن جوانی شده بود، دستگیر شد. به گزارش جوان، دوم مهرماه امسال، زن ۳۰ساله به نام شیوا به پلیس فتا رفت و از مرد جوانی شکایت کرد. وی گفت: «مدتی قبل با مرد جوانی به نام آرش در تلگرام آشنا شدم. او در این مدت از کار و موقعیت اجتماعی خودش صحبت کرد تا اینکه قول ازدواج داد. چندبار با هم ملاقات حضوری داشتم تا اینکه تعدادی از عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی‌ام را دوباره منتشر می‌کند.»

بعد از طرح این شکایات متهم تحت تعقیب قرار گرفت و مأموران مخفیگاه وی را در جنوب تهران شناسایی و متهم را در بیستم آذر ماه سال جاری در یک عملیات پلیسی دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل کردند.

سرهنگ توح کاظمی، رئیس پلیس فتا پایتخت گفت: «متهم ابتدا جرمش را انکار کرد اما او بعد از ارائه شواهد و مستندات سرانجام لب به اعتراف گشود و به جرمش اقرار کردو او با ابراز پشیمانی گفت فکر نمی‌کرده در برابر پلیس و قانون قرار بگیرد.»

وی در پایان گفت: «متهم برای تحقیقات تکمیلی در اختیار داسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای قرار گرفت.»

